



سومین همایش کشوری کاربرد یادگیری الکترونیکی در علوم پزشکی  
مشهد- دانشگاه علوم پزشکی - ۲۷ الی ۲۹ بهمن ماه ۱۳۸۸



با سلام و احترام

جناب آقای / سرکار خانم **حسین کارشکی**

ضمن تشکر و قدردانی از توجه شما، با کمال خوشوقتی به اطلاع می‌رساند که مقاله جنابعالی با  
کد: ۲۱۱۸۱

و عنوان : **ساختارگرایی اجتماعی و یادگیری الکترونیکی**

بصورت **سیخنرانی** در همایش کشوری کاربرد یادگیری الکترونیکی در علوم پزشکی پذیرفته شده است . لذا از شما دعوت می‌گردد در روزهای ۲۸ و ۲۹ بهمن ماه جاری ، جهت ارائه مقاله خود در این همایش شرکت فرمایید . جهت کسب اطلاعات بیشتر و ثبت نام در همایش، به آدرس زیر مراجعه نمایید :

[www.mums.ac.ir/elearn۲](http://www.mums.ac.ir/elearn۲)

دکتر قاسم کارم

رئیس مرکز مطالعات و توسعه آموزش علوم پزشکی  
دانشگاه علوم پزشکی مشهد و دبیر همایش

# کاربرد رویکردهای ساختارگرایی اجتماعی در یادگیری الکترونیکی

حسین کارشکی<sup>۱</sup>

استادیار روانشناسی تربیتی دانشگاه فردوسی مشهد

## چکیده:

یکی از مهمترین و جدیدترین دیدگاههای مربوط به یادگیری و نحوه شکل گیری دانش، ساختار گرایی اجتماعی است. هم ساخت دهی سازوکار اصلی ساختن دانش در رویکردهای ساختارگرایی اجتماعی است. در این رویکرد نقش عوامل و فرایندهای شخصی و اجتماعی به همراه و در تعامل با هم و در ارتباط با بافت و یا زمینه یادگیری برجسته است. این باور ریشه در نظریه فرهنگی-اجتماعی ویگوتسکی، نظریه ساختاری پیاز، نظریه های یادگیری مبتنی بر مردم شناسی و جامعه شناسی، مبانی فلسفی نسبیت گرایانه و جمع گرایانه دارد. این رویکردها نقش مهمی در تحولات آموزشی و روانشناختی داشته و منشا پیدایش روشهای آموزشی و یادگیری همچون یادگیری مشارکتی شده است. پذیرش این دیدگاه و ادبیات مربوطه کاربردهای ارزشمندی برای مربیان و محققان درحوزه آموزش و یادگیری دارد. ساختارگرایی اجتماعی از جهت تاکید بر بافت و زمینه یادگیری و نیز هم ساخت دهی دانش در یادگیرنده ها ارتباط نزدیکی با یادگیری الکترونیکی دارد و بسیاری از مبانی روانشناسی یادگیری الکترونیکی از این طریق قابل توجیه است. امروز با گسترش فناوریهای نوین ارتباطی و اطلاعاتی و آموزشهای الکترونیکی، و نیز ویژگی باز بودن و محدودیتهای کمتر این گونه آموزشها، می توان اثرات آنها را در محیطهای آموزشی رسمی هم مشاهده کرد. بررسی این پویایی ها و روابط در چارچوب یادگیری ساختارگرایانه اجتماعی قابل توجیه است. لذا هدف اصلی ما در این مقاله ارائه چارچوب ساختارگرایانه اجتماعی از یادگیری الکترونیکی است که از طریق شناخت و کاربرد اصول مربوطه می توان از یادگیری الکترونیکی استفاده بهتری برد و یا مکانیسمهای روانشناختی حاکم بر آن را بهتر شناخت.

واژگان کلیدی: یادگیری الکترونیکی، ساختارگرایی اجتماعی و یادگیری

---

<sup>۱</sup> [karshki@gmail.com](mailto:karshki@gmail.com)

## مقدمه:

آموزش مجازی و یادگیری الکترونیکی همچون هر آموزش دیگری دارای ویژگی های روانشناختی خاص خود است. کار کردن در فضای مجازی و آموزش از این طریق مستلزم تسلط بر ویژگی روانشناختی محیط مجازی یادگیری<sup>۲</sup> است. یکی از مهمترین رویکردهای یادگیری و روانشناسی که توجه گر این نوع آموزشها و یادگیری هاست، رویکردهای ساختارگرایی اجتماعی یا سازنده گرایی اجتماعی است. رویکردهای ساختارگرایی اجتماعی<sup>۳</sup>، بر نقش فرایندهای شخصی و اجتماعی در هم-ساخت دهی<sup>۴</sup> دانش تاکید می کنند (پالینکسار، ۱۹۹۸). مباحث مربوط به این دیدگاه، از جمله جدیدترین مباحث مربوط به یادگیری است. ساختارگرایی اجتماعی، از یک طرف ریشه در مبانی فلسفی نسبیت گرایانه و از طرف دیگر ریشه در مبانی فلسفی جمع گرایانه دارد و متأثر از نظریات جامعه شناختی و مردم شناسی است. در روانشناسی نیز این رویکرد ها مابین نظریه های ساختارگرایی و نظریه های یادگیری اجتماعی قرار می گیرند.

ساختارگرایی در روان شناسی در مخالفت با سنت های عینیت باورانه یادگیری بوجود آمده و یا قرار می گیرد که معتقد بودند که «دانش عینی و مستقل از یاد گیرنده وجود دارد و معلم می تواند این دانش را به کمک زبان به همه یاد گیرندگان انتقال دهد» و واقعیت هستی را مستقل از ذهن و خارج از یاد گیرنده تصور می کنند و دانش اندوزی را انتقال واقعیت مستقل خارج از یاد گیرنده به ذهن او می دانستند. بر عکس در نظریه ساختارگرایی واقعیت عینی جهان بیرون مستقل از یاد گیرنده فرض نمی شود و چنین تصور نمی شود که یاد گیرنده از راه یادگیری نسخه ای از این جهان را به ذهن خود می سپارد. بسیاری از اندیشمندان پیرو رویکرد ساختارگرایی حتی قبول ندارند که جهان قابل دانستن است (وولفولک، ۲۰۰۰). بنابراین می توان گفت ساختارگرایی به آن دیدگاه یادگیری گفته می شود که بر نقش فعال یاد گیرنده از درک و فهم و معنی بخشیدن به اطلاعات تاکید می کند. یا به اعتقاد بایلر و اسنومن (۱۹۹۲، در سیف، ۱۳۸۷) به آن دیدگاه گفته می شود که معتقد است یادگیری معنادار زمانی رخ می دهد که یادگیرندگان از اندیشه ها و تجارب خود تفسیرهای شخصی به عمل آورند. در ساختارگرایی واقعیت بیشتر در ذهن یاد گیرنده است و اوست که واقعیت را بر پایه تجارب خود شکل می دهد و یا دست کم به تفسیر آن می پردازد. در ساختارگرایی به طرز ساختن یا پدیدآیی دانش بر مبنای تجربه شخصی، ساختارهای ذهنی، و باورها تاکید می شود.

---

<sup>2</sup> - virtual learning

<sup>3</sup>-social constructive perspectives

<sup>4</sup>- co-constructing knowledge

یک مفهوم مرتبط با نظریه ساختارگرایی، **یادگیری موقعیتی**<sup>۵</sup> است، طبق این مفهوم ما نباید دانستن را از انجام دادن یا آنچه آموخته شده است را از چگونه آموخته شده جدا بدانیم. پیروان این دیدگاه معتقدند که شناخت موقعیتی است، بعضی دانش ها به موقعیت ها، مقاصد و تکالیفی که در آنها به کار می رود وابسته است. به سخن دیگر هر دانش وابسته به مقاصد و موقعیت هایی است که در اصل برای آنها ساخته شده است. تاکید بر فرایند در مقابل فرآورده تفکر، تفکر تاملی، تفکر انتقادی (درسیکول، ۱۹۹۴، سیف، ۱۳۷۹) از دیگر نکات این رویکرد است.

نظریه ساختارگرایی بر پایه نظریه ها و پژوهش های بارتلت، گشتالتی ها، پیاز، برونر، ویگوتسکی و نیز فلسفه پرورشی دیویی استوار است (وولفولک، ۲۰۰۰). یکی از روان شناسانی که مطالعاتی پیرامون حافظه انجام داد و یافته هایی در ارتباط با نظریه ساختارگرایی پیدا کرد، بارتلت (۱۹۳۲، منبع قبلی) است. او بر اساس آزمایش انجام شده در مورد حافظه و در زمانها و با افراد متفاوت نتیجه گرفت که موقعی که ما داستانی را می خوانیم، به کمک ربط دادن آن با ساخت های شناختی موجودمان، آن را درک می کنیم. یعنی به ساختن معنایی که هم موجه و هم منطقی است می پردازیم هر چند که ممکن است همان معنای مورد نظر نویسنده نباشد.

**ساختارگرایی اجتماعی:** رویکرد ساختار گرایی نیز مصون از انتقاد نبوده است. از آنجا که رویکرد ساختارگرایی، بررسی صحت و سقم معلومات بدست آمده از راه مقایسه مستقیم الگوهای ذهنی با عینیت را معتبر نمی داند، در پاسخ به این سوال که ذهن از بین ساختارهای گوناگون، ساخت درست و معتبر را چگونه بر می گزیند، پاسخ قانع کننده ای ندارد (یا به عبارتی دیگر، از بین حقیقت های مختلف کدام یک یا کدام یکی ها درست تر است). ساختارگرایی بدون چنین ملاکهای نیرومندی به ورطه نسبی گرایی مطلق - یعنی صورتی از نظریه که در آن تمام الگوهای ساخت دهی ذهن، اعم از واقعیت یا توهم، اعتباری یکسان کسب می کند - خواهند افتاد. از این رویکرد ظاهراً در هیچ یک از دو شاخص زیر یعنی انگاره های شناختی گوناگون در ذهن یک فرد و اجماع در انگاره های شناختی ذهن افراد تناقضی دیده نمی شود. اجماع انگاره های شناختی افراد، همان ساختارگرایی اجتماعی است. که به موجب آن دانش صرفاً محصول فرایندهای تعاملی و ارتباط متقابل افراد با همدیگر است. بر این اساس پالینسکار (۱۹۹۸) معتقد است رویکردهای ساختارگرایی اجتماعی بر نقش و وابستگی های متقابل فرایندهای اجتماعی و شخصی در هم-ساخت دهی دانش تاکید می کنند. علاوه بر این او

---

<sup>5</sup> - situated learning

معتقد است: «... ساختارگرایی دیگری [اجتماعی] وجود دارد که ایده دانش عینی را رد می کند و به جای آن معتقد است که دانش در اثر درگیری شخص در دیالوگی با دیگران تحول می یابد.»

### **پیش فرض ها و کاربردهای رویکردهای ساختارگرایی اجتماعی در مورد یادگیری**

با مبانی مورد بررسی می توان پیش فرضهای زیر را در مورد رویکردهای ساختارگرایی اجتماعی متصور شد. از این دیدگاه شناختن و یادگیری وابسته به موقعیت است، تفکر در زمینه اجتماعی و فیزیکی و نه در درون ذهن فرد شکل می گیرد، دانش در زمینه ای که شکل گرفته بهتر یاد گرفته می شود، موقعیتهای یادگیری شبیه موقعیتهای واقعی است، هم ساخت دهی اصالت دارد، تعامل اجتماعی، زبان و فرهنگ اهمیت زیادی دارد، تاکید بر محیطهای یادگیری پیچیده است، روشهای بحث، یادگیری فعال و یادگیرنده محور مورد تاکید است، درگیر کردن حواس چند گانه اهمیت دارد، طرح دیدگاههای چندگانه اثربخش و مهم است، پردازش از بالا به پایین باید صورت گیرد، مسیر یادگیری از قبل مشخص نیست، عوامل اجتماعی مشوق یادگیری، انتخاب، علاقه است و معلم و دانش آموز هر دو نقش معلم و دانش آموز را ایفا می کنند.

با این پیش فرض ها و ویژگیهای ساختارگرایی اجتماعی باید به نکات زیر توجه داشته باشد:

۱- ایجاد محیطهای یادگیری واقعی مرتبط با موضوع، ۲- همراهی مربی و دانش آموز به عنوان فردی مشوق و تحلیل گر راهبردهای حل مساله، ۳- ارائه مثال های متنوع و طرح دیدگاههای متکثر، ۴- بحث و تبادل نظر مورد تاکید قرار گیرد، ۵- پرورش فرآیندهای عالی ذهنی همچون فراشناخت و خودتنظیمی، ۶- حمایت از دانش مشارکتی و مبتنی بر مبادله، ۷- یادگیری در محیط سرشار از حل مساله، ۸- تاکید بر ساخت دانش و نه انتقال یا تجدید تولید آن، ۹- توجه به معلومات قبلی، تجربه ها و انتظارات دانش آموزان، ۱۰- خطاها فرصت است و ۱۱- ارزشیابی بخشی از آموزش و در خدمت آن است.

با این پیش فرضها و آموزشها، معلم در الگوهای سازنده گرایی اجتماعی، نقشهای ویژه ای دارد: ۱- عمده ترین نقش معلم، تسهیل گری جریان آموزش و یادگیری، ۲- ارائه دهنده و نه سخنران: توضیح، الگو، فعالیت متعدد، ۳- مشاهده کننده، ۴- سوال کننده و ارائه دهنده مساله: در جهت مدیریت و انگیزش، ۵- سازمان دهنده محیط برای تجربه اندوزی و کاوش، ۶- هماهنگ کننده روابط عمومی: بهبود روابط و سعه صدر، ۷- مستند ساز جریان یادگیری، ۸- نظریه پرداز و الگوی نظریه پرداز شدن

در ارزشیابی های کلاسهای ساختارگرایانه اجتماعی نکات زیر باید رعایت شود: ارزشیابی باید مبتنی بر بازده های واقعی، مبتنی بر سطوح بالای حیطه شناختی، تاکید بر فرایند یادگیری و نه فرآورده، گذشته نگر و

آینده نگر، کیفی، پویا و نه ایستا. ارزشیابی متمرکز بر خود و در جهت تحلیل خود و معطوف آینده و براساس گذشته باشد.

### تحلیل ساختار گرایانه اجتماعی از یادگیری الکترونیکی

گسترش یادگیری الکترونیکی و فناوریهای نوین نقش مهمی در ظهور و توسعه ساختارگرایی اجتماعی داشته است و از طرف دیگر فضای آموزش مجازی یا یادگیری الکترونیکی همچون هر آموزش دیگری دارای ویژگی های روانشناختی خاص خود است که بیش از هر توجیه روانشناختی دیگری با ساختن گرایای اجتماعی همخوان است. این که دانشجو یا دانش آموز از طریق فناوریهای اطلاعاتی نوین (پست الکترونیکی، ویدئو کنفرانسها، چت، گروههای علمی و غیر علمی الکترونیکی) همه حاکی از آن است که ما با دانشجویانی مواجه هستیم که ارتباطات نا محدودی که ایجاد می کنند در ساختن دانش نقش اساسی دارند و می توانند چیزهایی بدانند یا دانشی بسازند که معلم آنها نقش کمی در ساخت آنها دارد. در این فضای جدید جریان انتقال دانش یک طرفه و از طرف معلم به دانش آموز نیست بلکه فناوریهای نوین جریان های مختلف اطلاعاتی به وجود آورده که نقش بسیار مهمی در یادگیری دارند. به اعتقاد برانسفورد، براون و کالینگ (۱۹۹۹)، در آندرسون و الوم، (۱۳۸۵)، محیط موثر یادگیری کانونی است که چهار عامل موثر یادگیری به آن معطوفند: یادگیرنده، دانش، ارزیابی و جامعه. این چهار عامل که ساختارگرایی اجتماعی هم اساسی هستند در یادگیری الکترونیکی هم محور هر نوع آموزش و برنامه درسی باید باشند.

در بعد یادگیرنده و یادگیرنده محوری می توان گفت یادگیری الکترونیکی فرصتهایی را برای هدف‌گزینی شخصی، انتخاب روشهای مناسب شخصی، انتخاب معلم و کانال ارتباطی، افزایش انگیزش و حتی خودارزیابی می شود یا به اعتقاد والتر (۱۹۹۶) ارتباطات توسعه می یابد یا به اعتقاد روریک و اندرسون (۲۰۰۲) منجر به حضور اجتماعی معنادار می شود. علیرغم این مزایا، یادگیری الکترونیکی چالشهایی را برای مربیان ایجاد کرده، چنانچه به باور آندرسون و الومی (۱۳۸۵)، یادگیری الکترونیکی، فرصت های کشف تعصبات و دیدگاههای فرهنگی از بین می رود و مشاهده زبان و مهارتهای فرا زبانی با مشکل مواجه می شود و اثر گذاری منفی بر ارتباطاتی می شود که سازوکار اصلی ساختن گرایای اجتماعی است. محیط یادگیری الکترونیکی دارای مختصات فرهنگی، جغرافیایی و زیستی خاص خود است. دانشجویان ابتدا با این مختصات نا آشنا نیستند اما به تدریج تسلط پیدا می کنند و این اثربخشی آنها را افزایش می دهد. تسلط بر قواعد ارتباطی و اجتماعی و مهارتهای ارتباطی از سازوکارهای اصلی یادگیری ساختارگرایانه اثربخش است و در یادگیری الکترونیکی نیز تسلط بر مهارتها، قواعد، فرهنگ، زبان و تسهیل ارتباط ضروری است. در بعد دانش باید گفت یکی از محتواهای

ضروری، مهارت آموزی است که در کنار محتوا باید آموزش داده شود. یادگیری الکترونیکی ابزارهای فراوانی در اختیار یادگیرنده قرار می دهد تا به گسترش مهارت‌های فکری و یادگیری خود بپردازد. ارزشیابی جز جدایی ناپذیر آموزش و برای انگیزش و بازخورد دادن ضروری است. ارزشیابی در خدمت آموزش و اصلاح آن باید باشد. لذا باید در آموزش الکترونیکی فرصت ارزیابی فراهم آید. از دید ساختارگرایانه اجتماعی خودارزیابی، ارزشیابی و بازخورد همسالان و خبرگان رشته و تخصص مورد نظر مهم ترین ارزشیابی هستند. این ارزشیابی در ارتباط با تکالیف پیچیده، واقعی، چند بعدی باید صورت گیرد. لذا پروژه محوری، کار واقعی، موقعیت طبیعی، موقعیت‌های شبیه سازی شده، آزمایشگاه‌های مجازی، موقعیت‌های مشارکتی، استاد خصوصی کمک زیادی به این ارزشیابی می کنند. در بعد جامعه محوری باید گفت در آموزش ساختارگرایانه تاکید بر بافت، موقعیت اجتماعی، تعامل، تاریخ و فرهنگ است که یادگیری الکترونیکی پتانسیل بالایی برای توجه به این امر مهم در اختیار دارد. جامعه اکتشافی لیپمن (۱۹۹۱، در آندرسون و الومی، ۱۳۸۵) و جامعه فعالیت ونجر (۲۰۰۱، در آندرسون و الومی، ۱۳۸۵) نشان می دهد چگونه اعضای جامعه یادگیری یکدیگر را مورد پرسشگری و حمایت قرار می دهند و همدیگر را در ساختن دانش متناسب و موثر هدایت می کنند. به اعتقاد ویلسون (۲۰۰۱) شرکت کنندگان الکترونیکی دارای حس مشترکی از تعلق، اعتماد، انتظار برای یادگیری و تعهد برای مشارکت و سهیم شده در این جامعه اند. مشکلات جامعه شناختی فضای یادگیری الکترونیکی شامل یکسان نبودن مکان و زمان یادگیری، گمنام بودن و ضعف اعضای گوناگون جامعه مجازی است.

یکی از مهمترین محورهای یادگیری ساختارگرایانه اجتماعی تعامل های مختلف درگیر در آموزش است که تأثیرگذارترین آنها ماهیتا اجتماعی است. این تعامل ها نقش تعیین کننده در یادگیری الکترونیکی دارد. در کلاس درس تعامل معمولاً دوجانبه و بی واسطه است اما یادگیری الکترونیکی با واسطه و شامل تعامل های غیر مستقیم و متفاوت به لحاظ زمانی و مکانی است و این امر تنگناها و قابلیت هایی برای یادگیری به وجود می آورد. محور تعامل های یادگیری الکترونیکی، مبتنی بر تعامل یادگیرنده- یاد دهنده و یادگیرندگان با هم است که در فضای مجازی شکل می گیرد. براین مبنا اکثر روشهای یادگیری و تدریس مشارکتی، تعاملی و مبتنی بر تشریح مساعی است.

## منابع:

آندرسون، تری و الومی، فتی (؟). یادگیری الکترونیکی، از تئوری تا عمل، ترجمه عشرت زمانی و سید امین عظیمی (۱۳۸۵). انتشارات موسسه توسعه فناوری اطلاعات آموزشی مدارس هوشمند.

سانتراک، جان، دبلیو (۲۰۰۸)، روانشناسی تربیتی. ترجمه دانشفر و همکاران (۱۳۸۸). تهران انتشارات رسا.

**References:**

- Paliscar, A. S. (1998). Social constructivist in teaching and learning. Annual Review of psychology, Vol. 94, 331-345.
- Piaget, J. (1985). The Equilibration of cognitive structures. The central problem of Intellectual development, pp 36-64. .... Oxford clarendon.
- Vertsch, J. (1991). Voice of mind. A sociocultural Approach to mediated action. Cambridge: Harvard University.
- Rourke, L. and Anderson, T. (2002). Exploring social presence in computer conferencing. Journal of Intractive Learning Research, 13,3, 259-275.
- Woolfulk, (2000). Educational psychology.
- Wilson, B. (2001). Sense of community as a valued outcome for electronic courses, cohorts, and programs. <http://carbon.cudenver.edu>.